■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۶۷ ■ پنجشنبه ■ ۲۲ خرداد ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۴ | اذان مغرب ۲۰/۴۲ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

سخن روز

امام علی علیه‌السلام: اگر بردبار نیستی خود را بردبار جلوه ده، زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و بزودی یکی از آنان نشود.
نهج‌البلاغه (صبحی صالح) ص۵۰۶، حکمت ۲۰۷

کرونا یک مراقبه برای کل انسان‌ها بود

شهرام مکری: کرونا امکانی شبیه به یک مراقبه برای کل دنیا و انسان‌ها بود. انگار یک لحظه دکمه پاوز(pause) را زدیم تا بگوییم حالا همه به این دنیای پرسرعت فکر کنیم. این اتفاق فرصتی شد تا از دنیا فاصله گرفتیم و وقت پیدا کردیم که آن را کمی نگاه کنیم، ببینیم رابطه ما با آن چیست؟ رابطه ما با بدنمان چیست؟ طبیعت چیست؟ فضا؟ شهر؟ آسمان؟ خیابان‌ها... همه اینها را یک بار دیگر نگاه کنیم. به هر چیزی که وجود دارد نگاه کنیم، به سیاستمداران‌مان، به واکنش مردم در کمک کردن و... یک بار جدی این تصویر را متوقف کرده و نگاه کنیم.

بخشی از صحبت این کارگردان با ایسنا

ستاره‌شناسان به ما گفته‌اند که کاروبار آدمی فقط لحظه‌ای ناچیز در خط سیر یک ستاره است؛ جغرافیدان‌ها به ما گفته‌اند که تمدن چیزی نیست مگر دوره‌ای کوتاه و ناپایدار میان عصر یخبندان و زمان حال.

درباره معنی زندگی
نویسنده: ویل دورانت.
مترجم: شهاب‌الدین عباسی
ترجمه و نشر کتاب پارسه

نـــگاره
سهیل محمدی

استفاده از ماسک، احترام به سلامت جامعه

کرونا، تلنگری برای بازگشت به خویشتن

حرف روز

سهیل محمودی
شاعر و نویسنده

این روزها مهم‌ترین گفته متخصصان اغلب حوزه‌های مرتبط با سلامت، درباره تبعاتی است که شیوع کرونا سبب آن شده است. این در حالی است که درباره اثرات مثبت ناخواسته‌ای که بر زندگی‌مان داشته کمتر صحبت شده، اینکه خانه نشینی‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن فرصت خوبی به‌دست همه ما داده تا بیش از پیش متوجه خودمان و برخی ضرورت‌هایی شویم که در حاشیه زندگی پرشتاب امروزی به فراموشی سپرده شده‌اند.

شرایط اجباری این روزها مجالی به اهالی فرهنگ و هنر داده تا بتوانند در دوره‌ای که شرایط حاصل از آن همه جهان را گرفتار کرده قدری متوجه خویشتن شوند. هنر در خلوت پدید می‌آید و این در حالی است که مشغله‌ها و سبک زندگی امروزی چنین فرصتی را از ما گرفته است.

بیش از حد گرفتار جلوت شده بودیم؛ دچار میکروفن، جمع‌های مختلف، سالن‌ها و نمایشگاه‌هایی که خلوت را از ما گرفته بودند و این خلوتی است که به آن نیاز داشتیم؛ هر چند که اسباب فراهم شدن آن خوشایندمان نبوده و نیست. این خلوت ناخواسته اهالی فرهنگ و هنر را دوباره به خویشتن دعوت کرده و این اتفاقی است که باید منتظر مشاهده اثرات آن در آینده باشیم. البته از گفته‌ام نباید این‌گونه برداشت کرد که متوجه اثرات منفی این بیماری نیستم؛ به هرحال کرونا اثر منفی بسیاری بر اقتصاد و حتی زندگی اجتماعی‌مان بر جای گذاشته. عزیزان بسیاری را از ما ربوده که حتی چهره‌های شاخص‌مان هم در میان آنها دیده می‌شوند.

با این حال بد نیست که در کنار همه این محدودیت‌ها و آسیب‌های جدی، جنبه‌های ناخودآگاه مثبت آن را هم ببینیم؛ اینکه به اجبار شرایط قدری از این اشتیاق بی‌حد و حصر برای دیده شدن دست کشیده‌ایم. حتی فرصتی فراهم شده تا به سراغ کتاب‌هایی برویم که شاید در شرایط عادی آنها را نمی‌خواندیم. خود من به شخصه در این چند ماهی که ناچار به رعایت برخی محدودیت‌ها و از سویی رفت و آمد کمتر بودم به سراغ کتاب‌هایی رفتم که سال‌ها از آخرین مرتبه‌ای که آنها را خوانده بودم می‌گذرد. به خاطرم هست که رمان «ماجراهای هاکلبری فین» نوشته «مارک تواین» را سال‌ها پیش، در دهه شصت خوانده بودم. این روزها فرصتی فراهم شده تا دوباره به سراغ آن بروم و با نگاه تازه‌ای این کتاب مشهور را بخوانم. نه چند دهه قبل و نه حالا موفق به مطالعه ترجمه «ابراهیم گلستان» از این رمان نشدم و هر دو مرتبه به سراغ ترجمه شادروان نجف دریابندری رفتم. این کتاب را می‌توان به نوعی درباره انسانی دانست که در جست‌وجوی آزادی است.

رودخانه می‌سی‌سی‌پی به همان معنای هگلی‌اش به نوعی نماد تاریخ است. «جیم» و «هاک» دو شخصیت اصلی این رمان هستند؛ جیم، برده سیاهپوستی است که به‌دنبال آزادی است و هاک هم در صدد کشف جهان و از سویی به بلوغ رسیدن و ارتقای فکری- شخصیتی خود است. نکته‌ای که در آخر نباید فراموش کرد این است که با وجود تعطیلی یا محدود شدن بخش قابل توجهی از آمد و شدهای فرهنگی، فضای مجازی و شبکه‌های مجازی تا اندازه‌ای به جبران این شرایط شتافته‌اند و نگذاشته‌اند که چندان از عالم بیرونی و زندگی قبلی‌مان دور بمانیم.

هنر درمانی از واژه تا معنی (بخش سوم)

هنر و روان

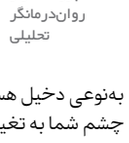

آرام مرتضوی
پژوهشگر و روان‌درمانگر تحلیلی

اگر مطالب گذشته را مطالعه کرده باشید به خاطر دارید که از ساز و کار روان و ارتباط عواطف و احساسات صحبت کردیم اکنون وقت آن رسیده که به صحبت پیرامون این موضوع بپردازیم که یک اثر هنری چگونه بر مغز اثر می‌گذارد. به‌صورت کلی دو واژه احساس و ادراک نقش عمده‌ای در درک و تعبیر و تفسیر مغز و کارکردهای آن دارد. احساس فرآیندی است که طی آن یک محرک بیرونی باعث به کار افتادن سیستم عصبی انسان شده و پیام‌هایی از اندام‌های گیرنده بیرونی به‌سمت مغز حرکت می‌کند. مهم‌ترین اندام‌های گیرنده بیرونی شامل گوش چشم پوست می‌شود، جالب است که در کاربرد هنر می‌توان گفت که تمام این اندام‌ها به‌نوعی دخیل هستند به‌عنوان مثال وقتی شما به یک فیلم نگاه می‌کنید چشم شما به تغییرات نور واکنش نشان می‌دهد وگوش شما به تحریکاتی که صوت در هوا پدید می‌آورد پاسخ می‌دهد.اما پدیده‌ای دیگر نیز رخ می‌دهد همزمان در قشر مخ این اطلاعات وارد شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و باعث به وجود آمدن تجربه دیدن فیلم می‌شود. دنیای اعجاب انگیز و جذابی در درون مغز انسان است. هرچه در این جهان و پیرامون ما وجود دارد محصول این دو فرآیند است احساس و ادراک. در حقیقت داروهای روان پزشکی بر فرآیند ادراک تأثیر می‌گذارند و داروهای بیهوشی بر هردوی این فرآیندها یعنی فرد در هنگام بیهوشی درد ناشی از برش تیغ جراحی را بر پوست خود احساس نمی‌کند و گیرنده‌های درد توسط محرک بیرونی تحریک نمی‌شوند در نتیجه ادراکی از درد در مغز صورت نمی‌گیرد. تمام موارد بالا را توضیح دادم تا به این نکته اشاره کنم که یک اثر هنری چگونه می‌تواند بر سیستم روان‌شناختی فرد اثر بگذارد، در آزمایشی وقتی فردی را که در حالت غم فراوان بود در معرض موسیقی شاد قرار دادند و ساز و کار مغزی و هورمونی او را مورد مطالعه قرار دادند، متوجه شدند که موسیقی شاد باعث ترشح هورمون‌های شادی آور می‌شود. در واقع تحریک سیستم عصبی شنوایی فرد با فرکانس‌هایی که موسیقی شاد به‌وجود آورده بود باعث ادراک شادی در قشر مخ به‌وسیله ترشح هورمون‌های شادی آور گردید. این نوع نگاه مبنای پژوهش در زمینه تأثیری است که سیستم عصبی از دنیای بیرون یا یک اثر هنری و غیر هنری می‌گیرد. یکی از ژرف‌ترین آثار هنری طبیعت است. یکی از دلایلی که افرادی که در طبیعت زیاد وقت می‌گذرانند شاداب‌تر و سرحال‌تر هستند تأثیری است که این هنر عظیم بر جان بشر می‌گذارد، خطوط متوازن رنگ‌های گوناگون صدای پای آب، خروش رود، سکوت جنگل، شب صحرا، آسمان پرستاره، آواز پرندگان، صدای خش خش برگ زیر پای حیوانات همه و همه آثار هنری هستند که به‌سادگی در دسترس هر کسی است که نیاز دارد از این آثار هنری استفاده کند. هنر در بشر در ابتدا تقلیدی از طبیعت بود آثار به جای مانده بر دیواره‌های غارها رونوشتی از وقایع دنیای پیرامون انسان‌های اولیه بود. پژوهش‌ها در رابطه با اولین سازهای ساخته دست بشر نیز ما را تا دل طبیعت به درون می‌برد. پس با نگاه به دنیای اطرافمان براحتی می‌توانیم بفهمیم چه مقدار از این دارو بهره می‌بریم.

«گلگشت»ی در باغ گل موسیقی ایران

چی بشنویم

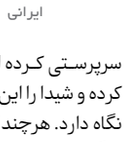

حسین علیشاپور
خواننده موسیقی ایرانی

آلبوم «گلگشت»، فضایی غریب دارد. هم دشتی و هم بیات اصفهانش را انگار در یک اتاق دو متر در دو متر ساخته و پرداخته و نواخته و خوانده‌اند. از منظر حسی تمامی غربت موسیقی ایرانی در آن سال‌ها را می‌توانید در این اثر بشنوید و حس کنید. غربتی که تا این زمان نیزادامه یافته است اما بگیرو ببندهایش درآن دوره حکایت دیگری دارد. «گروه شیدا» را در این آلبوم پشنگ کامکار سرپرستی کرده است. محمدرضا لطفی جلای وطن کرده و شیدا را این بار پشنگ جمع کرده تا چراغ را روشن نگاه دارد. هرچند که در آن سوی و سوای این آلبوم هم دیگرانی، ولو محدود و معدود مشغول به کارند. در آلبوم گلگشت، کنایه‌های هنر به روزگار نیز به گوش می‌رسد: شعر تصنیف «ای ملک ایران» که روزگاری قمرالملوک وزیری آن را خوانده، گویا مجوز نگرفته و تصنیف به فریدون مشیری - در این آلبوم فریدون همراه - سپرده شده تا کلامش به «لبخنده گل...» تغییر یابد یا آواز دلپذیری که صدیق تعریف با همراهی سنتور پشنگ کامکار و نی جمشید عندلیبی در بیات اصفهان بر شعر حافظ خوانده: «زین دایره مینا خونین جگرم می‌ده تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی»

صدیق تعریف - که نگارنده سابقه سالیان شاگردی و خوشه چینی نزد او دارد - خواننده‌ای گزیده کار است. گزیده کاری صدیق تعریف، هر چند از یک سو به خلق و ایجادِ کمتر از سوی وی انجامیده، از سوی دیگر غنای افزون‌تر آثاری را که توسط او خوانده شده، به‌دنبال داشته است و از این روست که همه آثار منتشره با صدای تعریف را می‌توان بارها و بارها شنید. «گلگشت» نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ سوای آنکه نگارنده معتقد است انسجام، استحکام و حال آوازی که تعریف در این آلبوم می‌خواند چیز دیگری است. گویا تعریف و گروه شیدا، قرار بوده تا واگویه‌ای دیگر از موسیقی اصیل ایرانی سال‌های میانه دهه ۶۰ به گوش برسانند. در آن سال‌هایی که آلبوم به‌صورت کاست در دسترس بود، طرح جلد زیبای «قباد شیوا» گرافیست نامی ایران نیز بر آن جلوه داشت و اکنون نمی‌دانم که روی سی‌دی کار چه عکس یا طرحی جایگزین شده است. هر چه بود، هنر، هنرتر بود و رنگ‌ها رنگ‌تر و آواها، بس آواتر... آلبوم «گلگشت»، گروه شیدا به سرپرستی پشنگ کامکار و خواننده صدیق تعریف سال ۱۳۶۷ از سوی انتشارات سروش منتشر شد.

اکبر - طبری

هشتگ

دومین جلسه دادگاه اکبر طبری به اتهام فساد مالی باز هم خبرساز بود. دفاعیات او درباره اینکه جرمی مرتکب نشده و همه چیز پرونده‌سازی است مورد توجه کاربران قرار گرفت و درباره‌اش نوشتند. حجم پرونده‌های طبری که عکسش منتشر شده بود و حرف‌های دادستان درباره غلامرضا منصوری یکی از متهمان این پرونده که در خارج از کشور است از مسائل دیگری بود که در جریان این دادگاه کاربران به آنها واکنش نشان دادند. گفته شده ادعای او درباره مراجعه به سفارت رد شده است و کاربران زیادی درباره این مسأله اظهارنظر کردند: «نماینده دادستان گفته آقای منصوری یک ماه پس از دستگیری اکبر طبری از ایران خارج شد و موبایلش را جا گذاشت! او مدعی سفر به علت بیماری است اما تاکنون هیچ مدرکی نداده. اگر راست می‌گوید مدارکش را به سفارت ایران تحویل دهد.»، «خلاصه دفاعیات اکبر طبری مظلوم: آقای قاضی من بی‌دفاعم. من هیچ چیز رو توی جیبم نداشتم. من از سهم کسی نزدم. من فقط اشتباهی بودم»، «اکبر طبری تو دادگاه گفته که بیگناه است و براش پرونده‌سازی کردن! فقط نکته اینجاست که زمین‌ها، ویلاها و پول‌هایی که تو این ۲۰ سال گرفته بدجور از وسط پرونده زدن بیرون.»، «کاش این پرونده فسادها که بررسی می‌شه یه تغییری هم به وجود بیاد که مردم تفاوتشو احساس کنند.»، «بهتره بگیم ۲۰ سال صادقانه خیانت کردی جناب طبری. راستی یادم رفت بگم که ایشون هیچ واحد لوکسی تو بهترین برج‌های تهران دریافت نکرده. اونی که همه این رشوه‌ها رو دریافت کرده، من بیچاره بودم»، «گفته شده کل وسایل منزل فرماندهانی مثل شهید باقری و شهید همت، در صندوق یک پیکان جا می‌شد، اکنون که در تصویر می‌بینید وآنچه در یک وانت جا

می‌گیرد، پرونده‌های فساد اکبر طبری هست! امثال طبری چطور جواب خون شهدا رو خواهند داد؟!»، «محاکمه اکبر طبری، موجب شد افکار عمومی به سوی مطالبات مشابه سوق داده شود. محاکمه بعضی افراد از قبیل عیسی شریفی که یک سال زودتر از طبری دستگیر شده، یکی از این مطالبات است. آیا محاکمه علنی شریفی که قائم مقام قالیباف در شهرداری تهران بود را هم خواهیم دید؟»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

عروسی کرونایی

ماجرا

کرونا و ماجراهایش همچنان یکی از مهم‌ترین بحث‌های شبکه‌های اجتماعی است. از بازگشایی مراکز مختلف تا آمار روزانه مبتلایان و کشته‌ها و البته رفتارهای مردم در مقابل این بیماری. دیروز فرماندار اردل در چهارمحال و بختیاری اعلام کرد که ۴۰ نفر در یک مراسم عروسی به کرونا مبتلا شدند. این خبر باعث شد بحث برگزاری مراسم مختلف در دوران شیوع کرونا باز هم داغ شود و کاربران از خطراتش بنویسند: «ابتلای ۴۰ نفر به ویروس کرونا در یک عروسی در چهارمحال و بختیاری. عروسی ممنوع نیست مگه؟ خبر دارم اصفهان هنوز ممنوعه.»، «تو این شرایط یه بنده‌خدایی به‌دنبال باغ خصوصیه که عروسی بگیره.»، «تو یه عروسی توی چهارمحال ۴۰ نفر کرونا گرفتن، بعد این ۴۰ نفر معلوم نیست به چند نفر انتقال دادن. خودتون و ما روبا هم به کشتن می‌دین آخر»، «ملت چه جوری جرأت می‌کنن تو این شرایط عقد و عروسی بگیرن»، «۳ بار تاحالا عروسی شو انداخته عقب حالا قراره این هفته عروسی بگیره تالار. فامیل هم هست نمی‌شه نرفت. سؤالم اینه اونی که میوه و شیرینی پخش می‌کنه اگر کرونا داشته باشه ما چه خاکی به سرمون کنیم؟ خب چرا باید چوب کار تو رو ما بخوریم. نمی‌شه همینجوری بری سر خونه و زندگیت؟»، «فردا عروسی دختر خالمه وبازم کسی نمی‌ره از ترس کرونا...چی سرمون آوردی کرونا»، «نمی‌دونم توی این شرایط کرونایی برگزاری مراسم خاکسپاری درسته یا نه. گاهی فکر می‌کنم نکنه باعث شیوع بشیم وحق الناس گردنمون بیاد».

به نام تاریخ

■ **۲۲ خرداد**

هشتاد و چهارمین روز از سال هم به نام بسیاری از هنرمندان ثبت شده است. آنهایی که به دنیا آمدند و آنهایی که رفتند و نامشان ماند.

■ **تولدها**

حسین سرشار: صدای خوش او به نظر بی‌انتها می‌رسید. پر قدرت و وسیع. حسین سرشار که امروز هشتاد و ششمین سالروز تولد اوست هم موسیقیدان بود، هم خواننده اپرا و هم بازیگر و دوبلور. او اجراهای زیادی در اپراهای ایرانی و ایتالیایی داشت و در دوره دانشجویی در ایتالیا با مرتضی حنانه در دوبله فیلم‌های ایتالیایی همکاری می‌کرد. وقتی به ایران برگشت تالار رودکی تازه افتتاح شده بود و او به‌عنوان سولیست اول کارش را آنجا آغاز کرد اما آنچه از سرشار در ذهن مردم باقی مانده بازی اش در فیلم «اجاره نشین‌ها» است. سرشار مرگی تلخ داشت. او که بعد از تعطیلی اپرا در ایران افسرده و بیمار شده بود مدتی ناپدید شد و حتی آگهی گمشدنش را در روزنامه‌ها منتشر کردند. گفته می‌شد آلزایمر گرفته و بالاخره سال ۷۴ خبر رسید که در تصادف با اتومبیل درگذشته است.

پروین سلیمانی: سلیمانی سال ۱۳۰۱ در چنین روزی به دنیا آمد. بازیگر سینما و تلویزیون که بازی ساده و روان و دلچسب او را بسیاری از مردم دوست داشتند. او سال ۱۳۲۳ کارش را در تئاتر آغاز کرد و ۹ سال بعد وارد سینما شد. آن سوی آتش، باغ بلور، افسانه آه، دیگه چه خبر؟، سلطان و موش فیلم‌هایی است که سلیمانی در آنها بازی کرد. خاله سارا، تعطیلات نوروزی، آتیه، فکر پلید، تفنگ سرپر و مختارنامه هم از سریال‌هایی هستند که او در آنها نقش داشت. بیش از همه سریال «تعطیلات نوروزی» در ذهن مردم باقی مانده و خیلی‌ها تا سال‌ها او را به‌نام نقشش «طاهره خانم» صدا می‌کردند.

اصغر بیچاره: قدیمی‌ترین عکاس سینمای ایران اگر زنده بود امروز ۹۳ ساله می‌شد. او از دوستان حسین سرشار و مرتضی حنانه در ایتالیا بود و با آنها همکاری می‌کرد. عکاسی را از سال ۱۳۲۳ آغاز کرد و در طول فعالیتش نمایشگاه‌های زیادی در ایران و خارج برگزار کرد. بزرگ‌ترین آرشیو عکس سینما و تئاتر ایران در خانه اصغر بیچاره بود و در موزه شخصی اش دوربین‌های قدیمی مانند دوربین ماشاءالله خان عکاس باشی را نگهداری می‌کرد. او در فیلم‌هایی هم به‌عنوان بازیگر حضور داشت.

سالروز تولد سعید شمس انصاری خوشنویس ایرانی و عبدالحی شماسی نمایشنامه نویس و فیلمنامه نویس هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

حمید سبزواری: امروز مصادف با چهارمین سال درگذشت «شاعر انقلاب» است. او درباره بسیاری از حوادث بعد از انقلاب اشعاری دارد و شعر مشهور «امریکا، امریکا ننگ به نیرنگ تو» سروده اوست. نشان درجه یک فرهنگ و هنر و نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر از جوایز اوست ضمن اینکه سال ۸۲ به‌عنوان چهره ماندگار معرفی شد.

رابرت هاوارد نویسنده امریکایی هم سال ۱۹۳۶ در چنین روزی درگذشت.

■ **۲۳ خرداد**

مرور هشتادمین روز از سال با نام چهره‌های فرهنگی خاصی همراه می‌شود که حتی اگر درگذشته باشند کارهایشان همچنان در ذهن مردم زنده است.

■ **تولدها**

بابک بیات: بعید است آهنگی از ساخته‌های بابک بیات را به یاد نداشته باشید. آهنگسازی که موسیقی‌هایش در فیلم‌های مختلف و برای بسیاری از ترانه‌ها ماندگار است و همچنان پرطرفدار. او سال ۱۳۲۵ در همین روز به دنیا آمد از ۱۹ سالگی زیرنظر ثمین و اولین باغچه بان موسیقی را یاد گرفت. آهنگسازی برای فیلم‌ها را از فیلم «غریبه» آغاز کرد و پس از انقلاب علاوه بر ساخت موسیقی بسیاری از آلبوم‌های صوتی مانند «سکوت سرشار از ناگفته‌هاست» و «چیدن سپیده دم» با صدای احمد شاملو، برای فیلم‌هایی چون مرگ یزدگرد، ریشه در خون، دست‌های آلوده، دو زن، قرمز، اتوبوس، کشتی آنجلیکا، پرده آخر و سام و نرگس آهنگ ساخت. موسیقی بسیاری از ترانه‌های خوانندگانی چون خشایار اعتمادی، محمد اصفهانی، نیما مسیحا، مانی رهنما و حامی از ساخته‌های بابک بیات است.

هادی منتظری: آهنگساز و نوازنده سازهای کمانچه و ویولن اهل کرمانشاه هم سال ۱۳۳۴ در این روز به دنیا آمد. او از کودکی نواختن ویولن را آغاز کرد و پس از آشنایی با محمدرضا لطفی ساز کمانچه را هم یاد گرفت. جواد معروفی، علی تجویدی، علی اصغر بهاری و محمدرضا شجریان از استادان او بودند. هادی منتظری نشان درجه یک هنر از وزارت فرهنگ دارد و با بسیاری از خوانندگان مانند محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، صدیق تعریف و علیرضا افتخاری همکاری کرده است.

محسن شاندیز عکاس پیشکسوت دوران دفاع مقدس، بابک دقیقی نویسنده و کارگردان تئاتر، حامد حبیبی شاعر و نویسنده کودکان و آگون شیله نقاش اتریشی هم در چنین روزی متولد شده‌اند.

■ **درگذشت‌ها**

فریدون دولتشاهی: دولتشاهی جرو نخستین مترجمان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود و با روزنامه‌ها هم همکاری می‌کرد. کتاب‌های «میگل»، خاطرات مارگرت تاچر و خاطرات گورباچف مهم‌ترین آثاری هستند که او ترجمه کرده است و بسیاری از ترجمه‌های اوابتدا به‌صورت پاورقی در روزنامه اطلاعات منتشر می‌شد و طرفداران زیادی داشت و پس از آن به‌صورت کتاب جمع‌آوری می‌شد. دولتشاهی سال ۹۱ در چنین روزی درگذشت.

عکس نوشت

اعتراض‌ها به رفتارهای نژادپرستانه به دنیای فیلم و سینما هم رسید و سرویس اینترنتی «HBO Max» فیلم معروف «بر باد رفته» را به‌دلیل ارجاع‌های نژادپرستانه به‌صورت موقت حذف کرد. این فیلم به جنگ داخلی امریکا می‌پرداخت و در آن تصویری مثبت از برده‌داری ارائه می‌شد و جان ریدلی فیلمنامه‌نویس فیلم «۱۲ سال بردگی» روز سه‌شنبه در مطلبی که در روزنامه لس‌آنجلس تایمز منتشر کرد از این سرویس اینترنتی خواست این فیلم را حذف کند. او نوشته بود این فیلم از برده‌داری تمجید و از ترس‌های برده‌داری چشم‌پوشی می‌کند. البته سرویس اینترنتی «HBO Max» اعلام کرده «بر باد رفته» با بررسی محتوای تاریخی و محکوم کردن نحوه به تصویر کشیدن سیاه‌پوستان و برده‌داری، پس از مدتی دوباره به این سرویس باز خواهد گشت.

برنامه «کیو آر اسکنر» را می‌توانید از اپلیکیشن‌های مختلف دانلود کنید.

رنج و روایت؛ از اودیسه تا کرونا

گفت و گو با بهمن نامور مطلق استاد و پژوهشگر دانشگاه

آیا می توان تنها با رعایت پروتکل های بهداشت فردی از شر کرونا راحت شد و یا حیات ما و دیگران به یکدیگر وابسته است و بدون نجات دیگری، رهایی از کرونا امکان پذیر نیست؟ از دکتر بهمن نامور مطلق عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی درباره نحوه تلقی اندیشمندان جهان در مواجهه با کرونا پرسیدیم.